

ارزیابی مؤلفه‌های نسل اول CPTED در پیشگیری از جرم

(مورد مطالعه: محله دستغیب تهران)

کرامت‌الله زیاری^۱، اصغر حیدری^۲، اسماعیل نجفی^۳، پیمان محمدی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۱۲
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۱۸

از صفحه ۱ تا ۲۸

پژوهشنامه جغرافیای نظامی
سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز ۱۳۹۵

چکیده

امروزه باتوجه به بحران شهرنشینی در بسیاری از نقاط جهان از جمله ایران توجه به مفهوم امنیت و ایجاد شهرهای امن به عنوان یکی از اولویت‌های اساسی نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی شهری تبدیل شده است. جرم معلول عوامل متعددی است که یکی از آنها عوامل کالبدی است. لذا، پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی به کارگیری بهینه محیط مصنوع در راستای کاهش جرایم شهری است. هدف از این پژوهش بررسی نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم (CPTED) در محله دستغیب شهر تهران و همچنین ارائه راهکارهایی به منظور بهبود شرایط این محله می‌باشد. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی نگارش شده است بدین ترتیب که ابتدا با استفاده از فرمول کوکران نمونه‌ای با حجم ۳۷۷ نفر در بین ساکنان محله به صورت تصادفی انتخاب شده و وضعیت شاخص‌های (CPTED) در محله به وسیله پرسشنامه، مشاهده‌های میدانی و اسناد رسمی گردآوری و با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و GIS تجزیه و تحلیل شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که اصول طراحی محیطی برای پیشگیری از جرم در محله دستغیب چندان رعایت نشده و این محله از امنیت نسبتاً پایینی برخوردار است به طوری که میانگین شاخص‌های طراحی محیطی برای پیشگیری از جرم در محله دستغیب برابر با ۲٫۷۱ در طیف لیکرت (۵ - ۱) است که حتی از حد متوسط نیز پایین‌تر می‌باشد. بنابراین، مهم‌ترین راهکار به منظور افزایش امنیت و کاهش جرایم در سطح این محله را می‌توان اختلاط زمانی و مکانی فعالیت‌ها و کاربری‌ها و همچنین حذف یا اصلاح فضاهای فاقد نظارت بیان کرد.

کلید واژه‌ها: ارزیابی، CPTED، امنیت، پیشگیری از جرم، محله دستغیب.

۱- استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، zayyari@ut.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران.

۳- دانشجوی کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران.

۴- دانشجوی کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران.

مقدمه

محیط شهری را می‌توان مجموعه‌ای به هم پیوسته از مکان‌ها در نظر گرفت که با شبکه‌ای از راه‌ها و انواع مختلف حرکت به هم مربوط می‌شوند. همواره از محیط و عناصر آن - رنگ، نور، ارتفاع و غیره- برای تأثیرگذاری بر رفتار انسانی استفاده شده است. تأثیر محیط بر انسان موضوع جدیدی نیست و از زمان‌های قدیم از محیط برای تأثیرگذاری بر رفتار انسان‌ها استفاده شده است (محمودی‌جانکی و قورچی‌بیگی، ۱۳۸۸: ۳۴۶). لذا، امنیت در ساختار شهر وابسته به اتصاف امنیت به شهر و در واقع قرار گرفتن شهر در یک سلسله مراتب معنایی است که می‌بایستی به بروز ویژگی‌های کالبدی و بصری در ساختار شهری بینجامد. لذا، امنیت انسانی مهم‌ترین بخش مفاهیم توسعه پایدار را تشکیل می‌دهد که امکان تأمین نیازهای انسان امروز بدون از بین بردن توانمندی نسل آینده برای آرزو و نیازهایشان را فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، امنیت شهری موازی با توسعه پایدار شهری است (طیبیان و کمالی، ۱۳۹۲: ۲).

اندیشمندان طی بررسی‌های به عمل آمده به این نتیجه رسیده‌اند که انگیزه، زمان و مکان سه عنصر اصلی در وقوع جرایم مختلف می‌باشند. در واقع، تفاوت در ویژگی‌های رفتاری و ساختارهای مکانی و زمانی منجر به توزیع متفاوت جرایم در سطح شهرها می‌شود. در این میان عنصر مکان در بروز انواع ناهنجاری‌ها نقش به‌سزایی دارد. هر جرمی در شرایط زمانی و مکانی خاصی اتفاق می‌افتد. مجرمان بیشتر مکان‌هایی را جهت اعمال مجرمانه خود برمی‌گزینند که فرصت‌های مناسبی جهت ارتکاب جرم داشته باشند (حیدری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳). به این نگرش که سعی دارد از طریق طراحی مناسب محیط جرم و بزهکاری را کاهش دهد در علم برنامه‌ریزی CPTED گفته می‌شود. اندیشمندان این علم بر این باورند که می‌توان به جای نگرش پلیسی برای حل مشکل یا بزه به وجود آمده از رویکرد پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED) برای جلوگیری از بروز مشکل یا بزه استفاده کرد و جرم و بزهکاری را در یک منطقه کاهش داد.

از سال ۱۹۶۰ رویکرد CPTED مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گرفته است. این رویکرد نخستین بار توسط سی‌ری جفری، جرم‌شناس آمریکایی، به‌طور منسجم به‌کار گرفته‌شد. ایده اصلی این رویکرد در این است که محیط فیزیکی نقشی مهم در وقوع جرم بازی می‌کند. درواقع، این رویکرد عبارت است از طراحی یا بازنگری در طراحی یک محیط به‌منظور کاهش جرم از راه‌های طبیعی، مکانیکی و دستوراتعملی. چنان‌که روشی چندجانبه برای کاهش جرم و درعین‌حال کاهش ترس از وقوع جرم است. این رویکرد طراحی فیزیکی را با نیازهای فیزیکی، اجتماعی و روانی ساکنان آن فضا درهم‌آمیخته و محیطی را خلق می‌کند که در آن رفتار مطلوب مورد تشویق قرارگیرد و رفتارها و ساکنان نامطلوب دلسرد شوند. اهداف این رویکرد را می‌توان افزایش امنیت شهری با فراهم‌سازی کاهش جرایم در محیط شهری دانست که مدیریت طراحی محیط را به‌عنوان ابزار خود برای تحقق این امر انتخاب کرده است (بمانیان و محمودنژاد، ۱۳۸۸: ۱۴۴-۱۳۹).

موفات، که یکی از اندیشمندان و پژوهشگران به‌نام در حوزه مطالعات جرم‌شناسی و پیشگیری از جرم است، راهبردهایی را در شکل‌دهی به مدل برنامه پیشگیری از جرم و بزهکاری از طریق طراحی محیطی (CPTED) ارائه کرده است که شامل قلمروگرایی، نظارت طبیعی، کنترل و دسترسی، مدیریت و نگهداری و حمایت از فعالیت‌های اجتماعی می‌شود (حبیب‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۲۹). محله دستغیب تهران با توجه به بافت ارگانیک و سنتی خود، که غالباً اکثر مناطق آن را بافت فرسوده تشکیل می‌دهد، دارای زمینه مناسبی برای وقوع انواع جرایم می‌باشد. لذا، هدف این پژوهش بررسی و سنجش مؤلفه‌های نسل اول CPTED در پیشگیری از جرم در محله دستغیب شهر تهران و همچنین ارائه مهم‌ترین راهکارها به‌منظور پیشگیری و کاهش جرایم در سطح این محله می‌باشد.

پیشینه پژوهش

مطالعه ارتباط بین محیط و رفتار انسان‌ها پیشینه‌ای طولانی دارد به‌گونه‌ای که در طول زمان این ارتباط همواره محل بحث و مناقشه بوده است. عده‌ای بر تأثیرگذاری محیط بر انسان و رفتارهای او و برخی به اثرگذاری انسان بر محیط اعتقاد دارند. با گذشت زمان و ورود به قرن بیستم بحث تأثیرگذاری محیط و نقش آن در تحقق بزهکاری وارد مرحله

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز ۱۳۹۵)

تازه‌ای شد (کلانتری و دیگران، ۱۳۹۰: ۵۳). لذا، می‌توان گفت هرچند انجام پژوهش‌های مرتبط با این موضوع با شیوه‌های نوین علمی در حوزه جغرافیای بزهکاری از نیمه اول قرن نوزدهم و با بهره‌گیری از اندیشه بوم‌شناسان اجتماعی چون کتله و گری شروع و توسط محققان و دانشمندان مکتب بوم‌شناسی اجتماعی شیکاگو در اوایل قرن بیستم (شاو و مک‌کی) ادامه یافت، از دو دهه قبل به‌ویژه از سال ۱۹۹۰ و با رشد شتابان شهرها و افزایش بی‌رویه بزهکاری در مناطق شهری توجه و علاقه زیادی نسبت به بررسی‌های مکانی جرایم شهری شکل گرفت و همین امر موجب شد تا ابزارهای تحلیل فضایی توسعه یابد و نظریات و رویکردهای مکانی جدیدی در این زمینه مطرح گردد (غنی‌زاده و کلانتری، ۱۳۹۲: ۷۹).

از جمله نگرش‌های مطرح در زمینه بررسی مکانی جرم رویکرد پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی (CPTED) است. این نظریه محصول دهه ۶۰ میلادی در آمریکا است. شاید قبل از این هیچگاه به این اندازه به تأثیر محیط ساخته‌شده بر جرم پرداخته نشده بود. بعد از این دهه بود که در اثر فعالیت‌های افرادی چون جین جیکوبز با کتاب «حیات و مرگ شهرهای بزرگ آمریکا» اسکلو آنگل با کتاب «پیشگیری از جرم از طریق طراحی شهری»، الیزابت وود با کتاب «جنبه‌های اجتماعی خانه‌سازی در توسعه شهری»، اسکار نیومن با کتاب «فضای قابل دفاع» و کتاب سی.ری جفری با نام پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی این نظریه و روابط میان محیط و جرم بیشتر آشکار شد (مرصوصی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱۶). اما پرداختن به موضوع پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی در کشور ایران دارای سابقه چندانی نمی‌باشد و به همین دلیل ادبیات موجود در این زمینه از غنای کافی برخوردار نمی‌باشد. با این حال در این زمینه تحقیقات و مقالاتی نگاشته شده است که در زیر به‌طور خلاصه به چند مورد از آنها اشاره می‌شود.

محمد مسگرانی طرقله در سال ۱۳۷۷ در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود با عنوان «سیاست‌های شهری در پیشگیری از جرایم» نشان می‌دهد که اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های پیشگیری از جرایم شهری عموماً ثمره تلاش در مسیر ارضای نیازهای معین و شناسایی شده محلی است. با توجه به پیچیدگی، تنوع و سنخیت بین عوامل جرم‌زا

تعیین یک رویکرد چندمنظوره که مسئولان و کارشناسان مربوطه و همچنین مردم را در حوزه تصمیم‌گیری گردهم آورد یک نکته اساسی است.

غلامحسن حیدری و همکاران در سال ۱۳۹۰ در مقاله مشترکشان با عنوان «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی؛ مطالعه موردی: زنجان» به این نتیجه رسیدند که با توزیع متعادل کاربری‌های مختلف در سطح شهر از یک سو می‌توان باعث افزایش نظارت اجتماعی در مناطق خلوت شهر و از سوی دیگر باعث کاهش تراکم بیش‌ازحد جمعیت و فعالیت‌ها در بخش‌های متراکم شهر شد و بدین طریق می‌توان از بروز جرایم پیشگیری کرد.

جهان‌آقا غنی‌زاده و محسن کلانتری در سال ۱۳۹۲ در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی نظم و امنیت در پارک‌های شهر تهران» با استفاده از اصول و راهبردهای پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی به این نتیجه رسیدند که با توجه به راهبردهای پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی در پارک باعث در مقطع کنونی با مشکلاتی از قبیل فقدان حس تعلق و قلمروگرایی، فقدان و کمبود نورپردازی مناسب در اطراف و درون پارک باعث و کمبود نظارت رسمی و غیررسمی مناسب و یکپارچه مواجه است.

نفیسه مرصوصی و همکاران در سال ۱۳۹۳ در مقاله‌ای با عنوان «نقش طراحی محیطی در پیشگیری از وقوع جرایم شهری؛ مطالعه موردی: بخش مرکزی شهر اصفهان» به این نتیجه رسیدند که توجه به اصول و شاخص‌های طراحی بهینه محیط و مساعدت شهرداری می‌تواند در کاهش وقوع جرایم نقش به‌سزایی ایفا کند.

مبانی نظری

هم‌زمان با پیشرفت‌های بشر در علوم مختلف و در پی آن تغییرات و دگرگونی‌های عظیم جوامع به‌ویژه توسعه شهرنشینی، صنعتی شدن، دگرگونی‌های فرهنگی، تغییر در سبک زندگی و تحول در ساخت نهادهای اجتماعی و وظایف و کارکردهای آنها موجب بروز انواع مشکلات اجتماعی شده است که چاره‌اندیشی برای آنها تحقیقات زیادی را طلب می‌کند (مرصوصی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۲). بنابراین، ایمنی و امنیت از جمله نیازهای اولیه زندگی انسان است که حتی در نردبام نیازهای انسانی آبراهام مازلو پس از نیازهای فیزیولوژیکی نظیر غذا، آب و جنس مخالف، در وهله دوم نیازهای انسانی

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز ۱۳۹۵)

قرارمی‌گیرد (فرید طهرانی، ۱۳۹۰: ۴۵). لذا، «جرم» و «ارتکاب جرم» در جوامع امروزی به‌عنوان یک مشکل اجتماعی که همه ساله بر زندگی هزاران تن از شهروندان تأثیر سوء می‌گذارد به شمار می‌آید. تهدیدات و خشونت‌های جدی بر ضد مردم و دارایی‌هایشان وحشت قابل توجهی در اجتماع پدید می‌آورد (الماسی‌فر و انصاری، ۱۳۸۹: ۲۲). در واقع، به‌طور سنتی فرض بر این بود که پیشگیری از جرم و کنترل آن مسئولیت نهادهای اجرای قانون، پلیس و نهادهای پیگیری قانونی می‌باشد اما شهرنشینی باعث شد که چشم‌انداز تعامل شکل دیگری به خود بگیرد چنانچه دیگر نهادهای اجرای قانون توانایی مقابله با جرم را به‌تنهایی نداشتند (Clark, 1995: 17).

به‌طور کلی می‌توان گفت سه نوع رویکرد اصلی برای پیشگیری از جرم وجود دارد: رویکرد نخست، رویکرد غیرمکانی است که به کاهش و یا از بین بردن انگیزه‌های شخصی ارتکاب جرم از طریق آموزش‌های اخلاقی، بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، وضع قوانین و جریمه اشاره دارد. به این رویکرد بعضاً رویکرد اجتماعی نیز گفته می‌شود. دیگر رویکرد مکانی - موضعی - است که هدف اصلی آن سخت‌تر کردن امکانات ارتکاب جرم به‌وسیله کاربرد تکنیک‌های خاص در مکان مشخص می‌باشد و رویکرد سوم بر مبنای میزان مجازات قانونی مجرمان تأکید دارد و از ویژگی‌های آن کم‌توجهی به امکان پیشگیری از جرایم نسبت به ارتکاب جرایم است (مستوفی‌الممالکی و بهرامی، ۱۳۹۳: ۱۰۱). پژوهش‌های مربوط به پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی بیشتر بر پایه دیدگاه بوم‌شناسی اجتماعی و در حیطه علم جغرافیای بزهکاری قرار دارند. بر مبنای این نگرش هر فرد در چارچوب زمانی و مکانی مشخص زندگی می‌کند و با توجه به کنش‌های فردی و اجتماعی خود درگیر با مکان‌های خاص و در تعامل با کسانی است که به شیوه اجتماعی با او زندگی می‌کنند. بنابراین، کارکردهای اساسی او و همچنین تأثیر و تأثر متقابل بین فرد، اجتماع و فضای پیرامون او در این چارچوب قرار دارد (کلانتری و آیت، ۱۳۸۶: ۴۹).

از جمله افرادی که در زمان‌های مختلف فاکتورهای فیزیکی را در زمینه بزهکاری بررسی کرده‌اند می‌توان برگس، پارک، شو و مک‌کی را به‌عنوان افراد اولیه و پیشروانی که به این موضوع اشاره کرده‌اند و افرادی چون الیزابت وود، جین جیکوبز، اسکولومر آنجل، اسکار نیومن و جفری را به‌عنوان نظریه‌پردازان طراحی محیطی برای پیشگیری از

جرم و بزهکاری نام برد (برتاو، ۱۳۹۱، ۱۰۵). خانم جیکوبز نظریه نظارت بر خیابان را ارائه می‌دهد (۱۹۶۱). او در کتاب «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» به عامل خیابان بیش از هر عامل دیگری اعتقاد دارد و معتقد است: «اگر خیابان‌های شهر از وحشی‌گری و ترس در امان باشند شهر از وحشی‌گری و ترس در امان است. هنگامی که گفته می‌شود شهر خطرناک است اساساً آنچه مورد نظر است این است که در خیابان‌های آن احساس امنیت نمی‌شود» (جین جیکوبز، ۱۹۶۱: ۱۳۲) و در نهایت جیکوبز این‌گونه بیان می‌کند که CPTED یک نظریه بر پایه شهری همراه با خیابان‌های امن می‌باشد (Kim & park, 2017: 233).

پس از جیکوبز، اسکلو آنگل (۱۹۶۸) در کتاب کاهش جرم از طریق برنامه‌ریزی شهری خاطر نشان می‌کند که چگونه می‌توان نقش شهروندان را در پیشگیری از جرم تقویت کرد. این مهم با تشخیص محیط‌هایی است که اکثر فرصت‌ها را برای ارتکاب جرم فراهم می‌کنند. آنگل چنین استدلال کرد که مناطق مشخصی دارای نرخ بالای جرایم هستند و تعداد فرصت‌های بیشتری برای مجرمان فراهم می‌کنند و در واقع مجرمان براساس منطق این مکان‌ها را انتخاب می‌کنند (برتاو، ۱۳۹۱: ۱۰۷). بنابراین، می‌توان گفت اصطلاح «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» را برای اولین بار جرم‌شناس آمریکایی به نام سی.ری. جفری در سال ۱۹۷۱ مطرح کرد و در کتابی با همین عنوان در سال ۱۹۷۷ فرمول‌بندی کرد. در ادامه کار جفری، اسکار نیومن با طرح نظریه «فضاهای قابل دفاع» بر تأثیر خصوصیات فیزیکی محله مسکونی بر میزان جرم در آن تأکید و اذعان کرد که خصوصیات معماری، طرح فیزیکی و نقشه ساختمان‌های مسکونی بر الگوی روابط بین افراد محله و نظارت اجتماعی غیررسمی تأثیر می‌گذارد. از نظر نیومن به‌کارگیری استراتژی فضای قابل دفاع می‌تواند بوم‌پایی پنهان، حس جمعی ساکنان، احساس مسئولیت آنها برای تأمین امنیت و حفظ محله‌ای سالم، مولد و مراقبت‌شده، مداخله در جرم و گزارش آن را به پلیس بهبود بخشد (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۸).

درواقع، می‌توان گفت نظریه CPTED یک رویکرد اجتماعی- فیزیکی در حوزه جرم‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری است چنان‌که بر ارزیابی و پالایش پنج استراتژی قلمروگرایی، نظارت طبیعی، کنترل و دسترسی، مدیریت و نگهداری و پشتیبانی از

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز ۱۳۹۵)

فعالیت‌های اجتماعی است که ابعاد مهم‌تر آن مربوط به نگهداری کارا و پایدار و مدیریت فضای شهری است (Cozens, 2004:2). زیرا در این فرضیه اعتقاد بر این است که جرم را می‌توان به وسیله ویژگی‌های محیط فیزیکی تسهیل یا پیشگیری کرد. در واقع، هدف پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی کاهش حوادث بزهکاری و ترس از جرم است (Tseng and et al, 2004:21). ادعا می‌شود که این نظریه ابزار مفیدی برای دستیابی به طراحی شهر به صورت مؤثرتر، پایدارتر و قابل زیست‌تر می‌باشد (Cozens, 2008: 272). در واقع نظریه CPTED دقیقاً به بررسی فرم و کالبد شهری و ارتباط آن با جرایم شهری می‌پردازد (ادیبی سعدی‌نژاد و عظیمی، ۱۳۹۰: ۴). این نظریه بر این ادعا استوار است که می‌توان با طراحی مناسب محل سکونت و کار افراد از جرایم خاصی پیشگیری کرد (قورچی، ۱۳۸۹: ۱۴۹). به بیانی دیگر، طراحی مناسب و کاربری مؤثر از محیط و ساختمان منجر به کاهش جرم و ترس ناشی از جرم می‌شود (Crowe, 2000: 46).

بر طبق تعریف سازمان برنامه‌ریزی شهر و روستا (۲۰۱۲) CPTED شامل اصول طراحی‌ای می‌شود که جزئیات مؤثر در محیط فیزیکی، که می‌تواند بر رفتار انسان‌ها در درگیر شدن با موضوع جرم تأثیر بگذارد، و همچنین احساس امنیت را افزایش دهد. از این رو این نظریه می‌تواند در افزایش کیفیت زندگی نیز مؤثر باشد (Khalizah, Othman, Hanisah, & Hashim, 2016: 507). لذا، می‌توان این رویکرد را یک رویکرد ترکیبی در طراحی ساختار کالبدی شهر دانست که می‌توان از طریق آرایش و طراحی کالبدی شهر برای جلوگیری از ارتکاب جرایم و یا کاهش آن بهره برد (Petrella, Laura, 2004).

از جمله شاخص‌های کالبدی مؤثر در پیشگیری از جرم می‌توان به معابر، علایم و مبلمان شهری، کاربری اراضی، خوانایی، پوشش گیاهی، دانه‌بندی و فشردگی بافت، تناسبات بصری، نظارت غیررسمی بر فضا و آلودگی هوا اشاره کرد (مستوفی‌الممالکی و بهرامی، ۱۳۹۳). اگرچه CPTED همچنان بر پیشگیری از جرم تأکید می‌کند ولی مجموعه‌ای از اصول رشته‌های مختلف را دربرمی‌گیرد که آن را به مفاهیم پایداری درک فضاها به عنوان یک اکوسیستم پیوند می‌دهد (McCauley and Opie, 2006:18). بدین ترتیب، نسل اول رویکرد CPTED از طریق ایجاد تغییرات در محیط به موقعیت کاهش فرصت‌های جرم و در نهایت ایجاد امنیت نایل می‌شود

(Cleveland & Saville, 2003: 4 - 6). راهکارهای نسل اول CPTED به‌طور کلی در دو اصل کنترل قلمرو و اصلاح محیط جرم‌خیز خلاصه می‌شود اما نسل دوم تمرکز بر ابعاد فیزیکی در پیشگیری از جرم را ناکافی دانسته و ایده‌های خود را بر پایه نظریه چشم-های ناظر بر خیابان جیکوبز شکل می‌دهد. از دیدگاه نظریه پردازان نسل دوم آنچه در عبارت «چشم‌های ناظر بر خیابان» جیکوبز مهم و پرمعنی بوده زاویه دید و حتی خیابان نبوده بلکه چشم‌ها بودند. استفاده از «چشم‌ها» با هدف مورد تأکید قراردادن ناظران حاضر در محله درحقیقت آن چیزی است که حس اجتماعی ایجاد می‌کند (Saville & Cleveland, 1997). لذا، می‌توان اصل اساسی نسل اول را قلمروبندی و ایده اصلی نسل دوم را همبستگی اجتماعی دانست (MetLife Foundation, 2008). با توجه به موارد بیان شده در قسمت فوق اصول اصلی رویکرد CPTED شامل موارد پنج‌گانه زیر می‌باشد که عبارت‌اند از:

تقویت قلمروهای طبیعی: قلمرو مفهومی را به ذهن متبادر می‌کند که فضاهای خصوصی را از فضاهای عمومی جدا می‌کند و براساس احساس مالکیت خصوصی شکل می‌گیرد. لذا، از طریق برانگیزش احساس مالکیت و تملک‌پذیری شهروندی نسبت به محله‌ها و مناطق مسکونی است که حضور بیگانگان و مزاحمان برای ساکنان بااهمیت می‌شود. به عبارت ساده‌تر تنها بعد از وجود و القای چنین احساسی در شهروندان و ساکنان شهر است که افراد مزاحم و مجرمان این حق را به خود نمی‌دهند که به حوزه قلمرو فرد دیگری وارد شوند؛

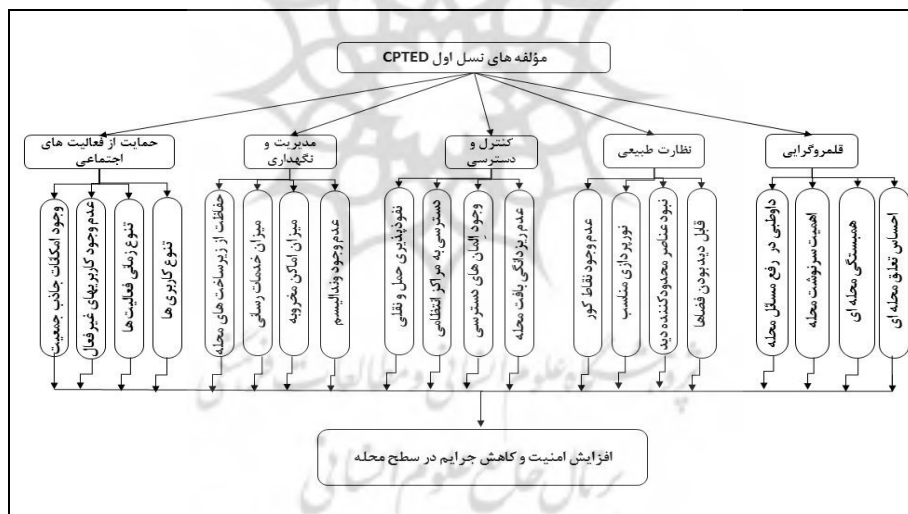
نظارت طبیعی: نظارت طبیعی به معنای توانمندسازی محیط شهری از طریق در معرض دید قرارگرفتن و آسانی نظارت است که امکان نظارت بر مناطق شهری را به‌وسیله شهروندان یا ارگان‌های انتظامی فراهم می‌کند. بر این اساس این امکان فراهم می‌شود که مناطق شهری در معرض دید عمومی قرارگیرند و از ایجاد مناطق غیرقابل نظارت و به‌اصطلاح «مناطق کور» جلوگیری به عمل آورده می‌شود؛

کنترل و دسترسی: با استفاده از این اصل می‌توان میزان دسترسی به مناطقی در شهر را که امکان وقوع جرم دارند برای مجرمان احتمالی کاهش داد؛

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز ۱۳۹۵)

مدیریت و نگهداری: با تعمیر و نگهداری مناسب از مبلمان شهری و تابلوها و علائم شهری و چراغ‌های روشنایی و محوطه‌سازی می‌توان علاوه بر بهینه‌سازی هزینه‌های شهری از بالارفتن تصور مجرمان نسبت به بی‌توجهی به فضای شهری و ظرفیت مناطق در جرم‌خیزی کاست؛

حمایت از فعالیت‌های اجتماعی: منظور این است که این امکان فراهم شود تا برخی فعالیت‌های اجتماعی در مناطق شهر ایجاد شود که علاوه بر اشتغال‌زایی و ایجاد تسهیلات رفاهی بتوان حضور پیوسته جمعیت در مناطق و میزان نظارت انسانی را بر آنها افزایش داد. بسیاری از جرایم شهری در مناطقی روی می‌دهد که نظارت عمومی کم است و یا انسان حضور فیزیکی ندارد. در این روش تلاش می‌شود تا نوعی توانمندسازی در فعالیت‌های اجتماعی صورت گیرد و در واقع به مناطق شهری و خاصه مناطقی که امکان جرم‌خیزی در آنها بیشتر است فعالیت‌های اجتماعی و حضور پیوسته افراد افزوده گردد (پورجعفر و دیگران، ۱۳۸۷: ۷۷).



شکل (۱): مدل مفهومی پژوهش

(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)

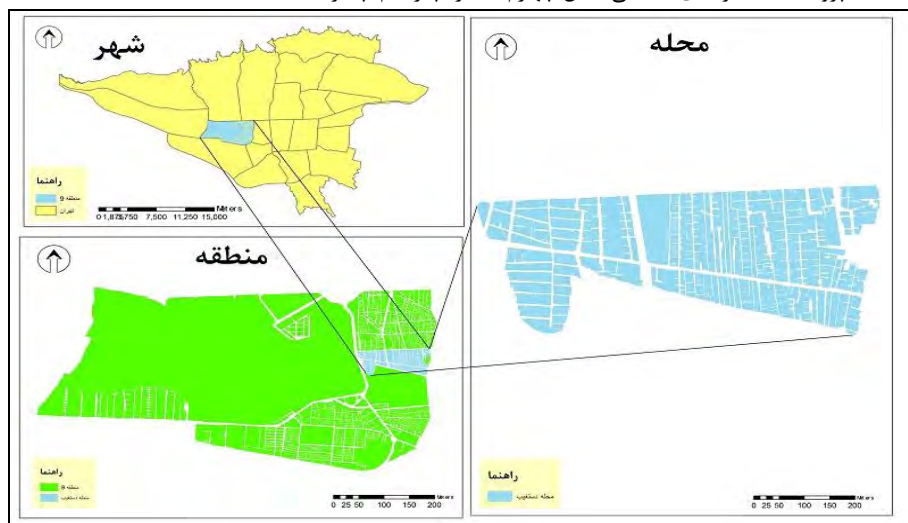
روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف تحقیق کاربردی است که با روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر اطلاعات کتابخانه‌ای، آمار رسمی و میدانی انجام شده است. شاخص‌ها و متغیرهای مورد تحلیل در این پژوهش، که دربرگیرنده اصول و مؤلفه‌های نسل اول CPTED می‌باشد، شامل قلمروگرایی، نظارت طبیعی، کنترل و دسترسی، مدیریت و نگهداری و حمایت از فعالیت‌های اجتماعی است. روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات به روش پرسشنامه‌ای، استفاده از آمارها و اسناد رسمی و مراجعه حضوری در مکان می‌باشد. برای تحلیل داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده از نرم‌افزارهای SPSS و GIS استفاده شده است. محدوده جغرافیایی پژوهش محله دستغیب واقع در منطقه ۹ شهر تهران است که به‌عنوان محله‌ای دارای بافت سنتی شناخته می‌شود و درصد زیادی از مساحت این محله را بافت فرسوده تشکیل می‌دهد. جمعیت آماری پژوهش تمامی ساکنان محله دستغیب شهر تهران که بالای ۱۸ سال سن دارند می‌باشد که به روش کوکران نمونه‌ای به حجم ۳۷۷ نفر به‌صورت تصادفی انتخاب شده و نحوه پاسخگویی به متغیرهای مذکور به‌وسیله پرسشنامه به دست آمده است. سپس، براساس نتایج به‌دست‌آمده از پرسشنامه، مشاهدات میدانی و آمار رسمی به تجزیه و تحلیل یافته‌ها پرداخته شده و درنهایت تأثیر کلی مؤلفه‌های نسل اول CPTED در پیشگیری از جرم در محله دستغیب بررسی شده و راهکارهای لازم به‌منظور پیشگیری و کاهش جرایم در سطح این محله ارائه شده است.

محدوده مورد مطالعه

شهر تهران بزرگترین شهر ایران است که براساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن بالغ بر ۸۰۶۵۳۵۷ نفر جمعیت دارد. این شهر از نظر تقسیمات اداری به ۲۲ منطقه، ۱۲۳ ناحیه و ۳۷۴ محله تقسیم می‌شود (سالنامه آماری شهر تهران، ۱۳۹۳: ۱۱). منطقه ۹ شهرداری تهران در غرب این شهر قرار دارد. این منطقه از ۲ ناحیه تشکیل شده است و دارای ۸ محله می‌باشد. ناحیه ۱ شامل ۳ محله و ناحیه ۲ شامل ۵ محله می‌باشد. از مهم‌ترین اماکن این منطقه می‌توان به فرودگاه مهرآباد، پادگان جی و پارک المهدی اشاره کرد.

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز ۱۳۹۵)



نقشه (۱): محدوده مورد مطالعه

(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)

محدوده مورد مطالعه این پژوهش محله شهید دستغیب (محلۀ ۳) از ناحیه ۱ منطقه ۹ شهرداری شهر تهران است. محله شهید دستغیب با جمعیتی بالغ بر ۲۰۶۹۴ نفر و مساحت ۵۹ هکتار از شمال به خیابان هاشمی و محلات استاد معین و دکتر هوشیار، از شرق به منطقه ۱۰ و بزرگراه یادگار امام، از جنوب به محله امامزاده عبدالله و خیابان نوری نیارکی و از غرب به بزرگراه آیتالله سعیدی و فرودگاه مهرآباد محدود می‌شود. ساختار و بافت سنتی و فرسوده محله شهید دستغیب باعث شده است که این محله از شرایط خاص کالبدی برخوردار باشد (شناسنامه جامع منطقه ۹، ۱۳۹۴).

درواقع، محله دستغیب با محوریت خیابان دستغیب از محلاتی است که بخش غربی آن نسبت به شرق آن قدمت بیشتری دارد و از جمله محلات حاشیه‌ای است که از ابتدا محل سکناي خانواده‌های مهاجر از استان‌های غربی کشور خصوصاً قزوین و نیز قشر کم‌درآمد بوده است. با توجه به سکونت جمعیتی معادل ۴۳۲ نفر در هکتار پرتراکم‌ترین بافت مسکونی را در میان محلات هشت‌گانه منطقه دارامی باشد. همچنین، محله شهید دستغیب با دارا بودن ۸۰ درصد بافت فرسوده مسکونی بالاترین رقم را در میان تمامی محلات منطقه به خود اختصاص داده است که این مورد با توجه به تملک بافت فرسوده در محله و عدم تخریب آن املاک مبدل به اماکن بروز آسیب‌های اجتماعی گردیده است

که شایع‌ترین آسیب اجتماعی محله اعتیاد و بیکاری است و از این نظر میدان هاشمی بیشترین سهم آسیب‌های محله را به خود اختصاص داده است (احدی، ۱۳۸۹، ۸-۴).

یافته‌های پژوهش

برای تحلیل یافته‌ها از اطلاعات به‌دست‌آمده از پرسشنامه تکمیل‌شده در محله شهید دستغیب شهر تهران و همچنین آمار رسمی و مشاهدات میدانی نگارندگان استفاده شده است. پرسشنامه دارای ۵ شاخص می‌باشد که گویه‌ها متناسب با این شاخص‌ها طبقه‌بندی شده‌اند و این شاخص‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: شاخص قلمروگرایی، شاخص نظارت طبیعی، شاخص کنترل و دسترسی، شاخص مدیریت و نگهداری و آخرین شاخص، شاخص حمایت از فعالیت‌های اجتماعی می‌باشد که در واقع این شاخص‌ها همان اصول نظریه طراحی محیطی برای پیشگیری از جرم (CPTED) می‌باشند. در ادامه میزان هر یک از این شاخص‌ها براساس نظر ساکنان محله و مشاهدات میدانی و همچنین آمار رسمی سنجش شده است.

شاخص قلمروگرایی

شاخص قلمروگرایی را می‌توان همان احساس تعلق و درجه اهمیت سرنوشت و آینده محله برای ساکنان دانست که این موضوع تأثیر به‌سزایی در حمایت از امنیت محله و ساکنان در برابر عوامل تهدیدکننده امنیت آنها و همچنین حفاظت از عناصر محله دارد. شاخص قلمروگرایی در محله دستغیب با توجه به ساختار سنتی خود از درجه بالایی برخوردار است به طوری که میانگین این شاخص در محله دستغیب برابر با ۳,۱۶ در طیف لیکرت (۵ ° ۱) است که بالاترین میانگین را در بین دیگر شاخص‌ها به خود اختصاص داده است. در این رابطه گویه مدت سکونت در محله با شاخص قلمرو، همبستگی مثبت و مستقیم دارند به طوری که براساس آزمون همبستگی پیرسون میزان همبستگی این دو شاخص برابر با ۰,۰۹ می‌باشد. این موضوع نشان‌دهنده این مسئله است که هرچه مدت سکونت افراد در محله بیشتر باشد شاخص قلمرو نیز در بین آنها افزایش می‌یابد.

درواقع، این ساختار سنتی محله باعث ایجاد مکانیسم خودامنیتی محله شده است به طوری که ساکنان نسبت به هم احساس مسئولیت و وابستگی می‌کنند و در مقابل

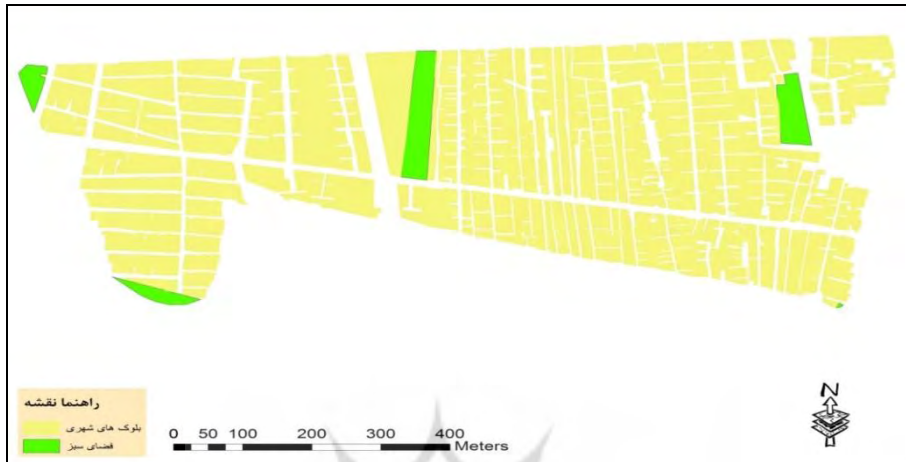
پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز ۱۳۹۵)

عواملی که امنیت آنها را تهدید نماید از یکدیگر حمایت کرده و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند که این مسئله مانند موضوع قبلی با مدت سکونت افراد در محله ارتباط مثبت و مستقیم دارد به طوری که براساس یافته‌های پرسشنامه میزان همبستگی پیرسون برای ارتباط دو شاخص مدت سکونت و میزان همبستگی با سایر افراد محله برابر با ۰,۲۳ می‌باشد. این امر نشان‌دهنده رابطه نسبتاً قوی، مثبت و مستقیم این دو گویه می‌باشد. در واقع، می‌توان این گونه بیان کرد که هرچه مدت سکونت افراد در سطح محله بیشتر باشد ساکنان محله با یکدیگر بیشتر احساس همبستگی کرده و نسبت به هم احساس مسئولیت می‌کنند. اما می‌توان گفت تنها عاملی که شاخص قلمروگرایی را در سطح محله دستغیب تهدید می‌کند حضور زیاد افراد غریبه است که چگونگی پاسخ‌گویی ساکنان نسبت به گویه میزان حضور و تردد افراد غریبه در سطح محله دلیلی بر مدعای فوق می‌باشد به طوری که ۶۷٪ از پاسخ‌گویان عنوان کرده‌اند که حضور افراد غریبه در سطح محله زیاد و خیلی زیاد است. این موضوع از طرفی نیز نشان‌دهنده حساسیت ساکنان نسبت به حضور افراد ناشناس در سطح محله، که در واقع آن را قلمرو خود می‌دانند، می‌باشد.

شاخص نظارت طبیعی

نظارت طبیعی در واقع همان کنترل غیرمستقیم و قابل دیدبودن محیط محله را بیان می‌کند که این محیط را می‌توان به دو بخش مسکونی و غیرمسکونی تقسیم‌بندی کرد. در بخش غیرمسکونی هرچه محیط‌های عمومی، بوستان‌ها و فضاهای بازی کودکان به واحدهای مسکونی و همچنین سایر کاربری‌های خدماتی جاذب جمعیت نزدیک‌تر باشند از نظارت غیرمستقیم و به تبع امنیت بیشتری برخوردار خواهند بود. کل مساحت بوستان‌های محلی و منطقه‌ای محله دستغیب ۱۸۴۷۱ مترمربع است یعنی سرانه هر نفر از این کاربری تنها ۰,۸۹ مترمربع می‌باشد که این سهم برخوردارگی بسیار کم است. این درصد برخوردارگی اندک باعث جذب جمعیت ناچیزی در این فضاها و در نتیجه کاهش نظارت می‌شود که این خود می‌تواند عامل ناامنی در این محله باشد. همچنین، براساس نقشه شماره (۲) مشاهده می‌شود که بوستان‌های محله دستغیب نه تنها در کنار سایر کاربری‌های نظارت‌کننده قرار نگرفته‌اند بلکه دو مورد از آنها در کنار بزرگراه آیت‌الله

سعیدی و در گوشه و مرز محله مکان‌یابی شده‌اند. این وضعیت قابل مشاهده بودن و نظارت غیرمستقیم این فضاها را کاهش و امنیت آنها را تهدید می‌کند.



نقشه (۲): نحوه قرارگیری کاربری فضای سبز در سطح محله

(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)

همچنین، بوستان‌های محله دستغیب نزدیک سایر زمینه‌های فعالیت از جمله واحدهای تجاری، فرهنگی، ورزشی، آموزشی و سایر مراکز خدماتی قرار نگرفته‌اند بلکه با بلوک‌های نامتعارف و یا شبکه معابر اصلی و یا فرعی محصور شده‌اند و در واقع، از تنوع کاربری برخوردار نیستند. این مسئله نیز خود باعث خلوت شدن این فضاها و کاهش امنیت آنها می‌شود. براساس نظر ساکنان محله ۷۱٫۶٪ پاسخگویان نسبت به این گویه که «قابل رؤیت بودن فضاهای باز، عمومی و محل بازی کودکان از سطح معابر و واحدهای مسکونی چقدر است؟» به گزینه‌های کم و خیلی کم اشاره کرده‌اند. در رابطه با بافت مسکونی محله به دلیل این‌که بخش عمده‌ای از آن را بافت فرسوده و قدیمی تشکیل می‌دهد در اکثر مناطق آن شبکه معابر تنگ و باریک و دارای نقاط گیر و تورفتگی‌های غیرقابل دید مشاهده می‌شود، که این موضوع خود باعث کاهش امنیت در سطح محله شده است. اما وضعیت کلی روشنایی محله در هنگام شب رضایت‌بخش بوده است به طوری که طبق نظر ساکنان ۶۱٪ به گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد نسبت به گویه وضعیت کلی نور در فضاهای اصلی محله اشاره کرده‌اند. با توجه به مطالب بیان شده در قسمت

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز ۱۳۹۵)
 فوق میانگین پاسخ‌دهی نمونه مورد مطالعه به گویه‌های شاخص نظارت برابر با ۲,۷۴ در
 طیف لیکرت می‌باشد که نشان‌دهنده نظارت نسبتاً پایین در سطح محله می‌باشد.

شاخص کنترل و دسترسی

این شاخص بیان‌کننده میزان نفوذپذیری و دسترسی به نقاط مختلف بافت محله را
 بیان می‌کند. باتوجه‌به این‌که ساختار محله دستغیب را بافتی سنتی و فرسوده تشکیل
 می‌دهد در اکثر نقاط آن میزان نفوذپذیری و دسترسی به داخل بافت از شرایط مناسبی
 برخوردار نیست که این موضوع را می‌توان از شیوه پاسخ‌دهی ساکنان نسبت‌به این سؤال
 که «تا چه میزان بافت و معابر محله امکان نفوذپذیری وسایل نقلیه را فراهم می‌کند»
 پی‌برد به‌طوری‌که ۶۳,۴٪ از پاسخ‌گویان نسبت به این سؤال گزینه‌های کم و خیلی کم را
 انتخاب کرده‌اند. این امر نفوذناپذیری امکان دسترسی به سطوح مختلف محله را در
 شرایط ضروری با مشکل مواجه می‌سازد و باعث کاهش امنیت در این فضاها می‌شود که
 این مورد به‌خوبی در شکل شماره (۲) قابل مشاهده است.



شکل (۲): نفوذناپذیری بافت محله
 (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)

در بحث دسترسی موضوع دیگر نقشه‌ها، علایم و تابلوهای جهت‌دهنده و راهنما
 می‌باشند که براساس جدول شماره (۱) وضعیت تعداد آن در سطح محله دستغیب به
 شرح زیر می‌باشد.

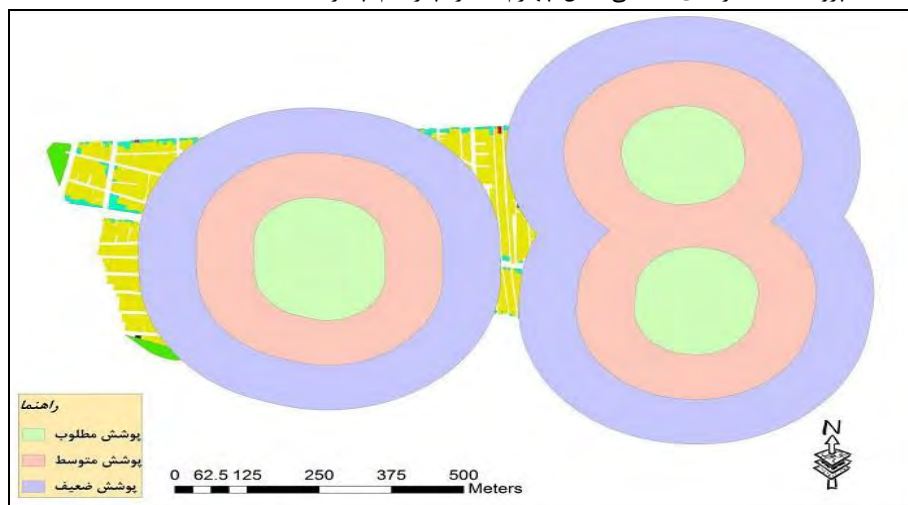
جدول (۱): آمار مربوط به علایم جهت‌دهنده و راهنما

تعداد	علایم جهت‌دهنده و راهنما
۶۵	تابلوهای شناسایی مسیر
۱۹۰	تابلو اسامی معابر
۱۷	تابلو راهنمایی رانندگی اخباری
۹۵	تابلو راهنمایی رانندگی انتظامی
۱۴۵	تابلو راهنمایی رانندگی اختطاری
۸۰	تابلوهای اماکن
۶۰	گاباری (دکل دروازه‌ای)

(منبع: شهرداری منطقه ۹، ۱۳۹۵)

براساس نظر ساکنان نسبت به این گویه که «تا چه میزان در سطح محله نقشه، تابلوهای راهنمایی و جهت‌دهنده نصب شده است؟» ۷۱٫۶٪ گزینه‌های کم و خیلی کم را انتخاب کرده‌اند که این موضوع نشان‌دهنده ضعف محله در برخورداری از آنها و رضایت‌نداشتن ساکنان از آمار بیان‌شده در جدول شماره (۱) می‌باشد که این مورد باعث نبود موقعیت‌یابی درست افراد ناآشنا با محله و فقدان مسیریابی به موقع پلیس در مواقع ضروری می‌شود. همچنین، در رابطه با دسترسی به مراکز انتظامی و پلیس محله دستغیب از شرایط بسیار نامساعدی برخوردار است به طوری که طبق آمار موجود این محله فاقد هرگونه کلانتری و پاسگاه انتظامی پلیس در درون خود محله می‌باشد و تنها دارای سه مورد کانکس نیروی انتظامی در سطح محله می‌باشد که با توجه به پوشش‌ندادن کامل محله توسط آنان و همچنین نبود خدمات‌دهی توسط این کانکس‌ها در تمامی زمینه‌های اداری-انتظامی باعث نارضایتی ساکنان نسبت به دسترسی مراکز اداری-انتظامی شده است. مجموع این عوامل باعث شده تا میانگین پاسخ‌های ساکنان به گویه‌های این شاخص در طیف لیکرت برابر با ۲٫۵۵ شود که نشان‌دهنده ضعف این شاخص در سطح محله دستغیب است.

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز ۱۳۹۵)



نقشه (۳): پوشش‌دهی کانکس‌های انتظامی پلیس در سطح محله

(منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵)

همان‌گونه که در نقشه شماره (۳) مشاهده می‌شود پوشش‌دهی کانکس‌های انتظامی در سه سطح تقسیم‌بندی شده است که طبق این موارد سطح اول دارای پوشش مطلوب، سطح دوم دارای پوشش متوسط و سطح آخر دارای پوشش ضعیف توسط این کانکس‌ها می‌باشند. همچنین، برخی از سطوح محله همان‌گونه که در نقشه بالا مشاهده می‌شود فاقد پوشش‌دهی توسط این مراکز می‌باشند.

شاخص مدیریت و نگهداری

شاخص مدیریت و نگهداری در واقع همان نظریه پنجره‌های شکسته است که بیان‌کننده این مطلب است که هرچقدر عناصر شهری کهنه و تخریب‌شده باشند نشان از توجه‌نداشتن ساکنان و همچنین مسئولان به محله است. این مسئله در ذهن مجرم این‌گونه متصور می‌شود که ساکنان و مسئولان محله به سایر ابعاد محله نیز توجهی ندارند که این خود تحریک‌کننده مجرم به عمل مجرمانه در سطح محله است. لذا، این شاخص از مهم‌ترین شاخص‌های پیشگیری از جرم می‌باشد. در واقع، شاخص مدیریت و نگهداری را می‌توان از دو جهت مورد بررسی قرارداد: در یک جهت مردم قرار دارند که در این رابطه محله دستغیب با توجه به ساختار اجتماعی سنتی و همچنین مدت سکونت بالای اکثریت ساکنان، که براساس یافته‌های پرسشنامه ۶۸٪ از حجم نمونه عنوان

کرده‌اند که بیش از ۱۵ سال است که در این محله سکونت دارند، از وضعیت مناسبی برخوردار است و مجموع این عوامل باعث شده است تا حس تعلق ساکنان نسبت به محله خود در سطح بالایی قرارگیرد به طوری که ساکنان نسبت به این گویه که «اگر شرایطتان فراهم شود از این محله می‌روید؟» ۷۰٪ عنوان کرده‌اند که احتمال رفتن آنها کم و خیلی کم است. لذا، این موضوع باعث شده است تا ساکنان به عناصر محله توجه خاصی نمایند و سعی در نگهداری و سالم نگه داشتن داوطلبانه آنها را داشته باشند و در مواقعی که نیاز به گزارش به سازمان‌های مسئول برای پیگیری و حل مسئله باشد آن را گزارش داده و تا حل شدن مسئله آن را پیگیری نمایند. همچنین، شیوه پاسخ‌دهی به این گویه که «تا چه میزان در سطح محله زمین‌ها و مکان‌های رها شده، پنجره‌های شکسته و اختشاش بصری وجود دارد که موجب افزایش ریسک شهروندان و ترس آنان از وقوع جرم شود؟» ساکنان ۷۵٫۳٪ گزینه‌های کم و خیلی کم را انتخاب نموده‌اند.

در جهت دیگر، مسئولان و مدیران شهری قرار دارند، که در زمینه‌های مختلف خدمات‌رسانی می‌کنند که می‌توان میزان کارایی آنها را در نگهداری و حفظ فضاهای محله از مقدار رضایتمندی ساکنان نسبت به خدمات‌دهی و عملکرد آنها سنجید. این موضوع در محله دستغیب دارای وضعیت چندان مناسبی نمی‌باشد به طوری که ۶۱٪ از ساکنان نسبت به عملکرد مسئولان در زمینه حفظ و نگهداری از فضاهای محله اظهار نارضایتی کرده و گزینه‌های کم و خیلی کم را انتخاب نموده‌اند. اما در مجموع میانگین پاسخ‌دهی به گویه‌های این شاخص توسط ساکنان از وضعیت نسبتاً مناسبی برخوردار می‌باشد به طوری که میانگین این شاخص برابر با ۳٫۱ در طیف لیکرت (۵-۱) می‌باشد.

شاخص حمایت از فعالیت‌های اجتماعی

این شاخص بیان‌کننده این موضوع است که هرچقدر فعالیت‌های اجتماعی جاذب جمعیت بیشتری در سطح محله ایجاد شود میزان امنیت نیز افزایش خواهد یافت. در واقع، اعمال مجرمانه بیشتر در نقاطی اتفاق می‌افتد که از تنوع کاربری مناسبی برخوردار نیستند. این تنوع کاربری‌ها و فعالیت‌ها در سطح محله باعث جذب و حضور پیوسته جمعیت در طول شبانه‌روز و افزایش چشمان ناظر می‌شود که نتیجه آن گسترش امنیت در سطح محله است. کاربری‌های خدماتی، گردشگری، ورزشی، فرهنگی و مذهبی از جمله کاربری‌هایی هستند که باعث تنوع و جذب جمعیت در نقاط مختلف محله

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز ۱۳۹۵)

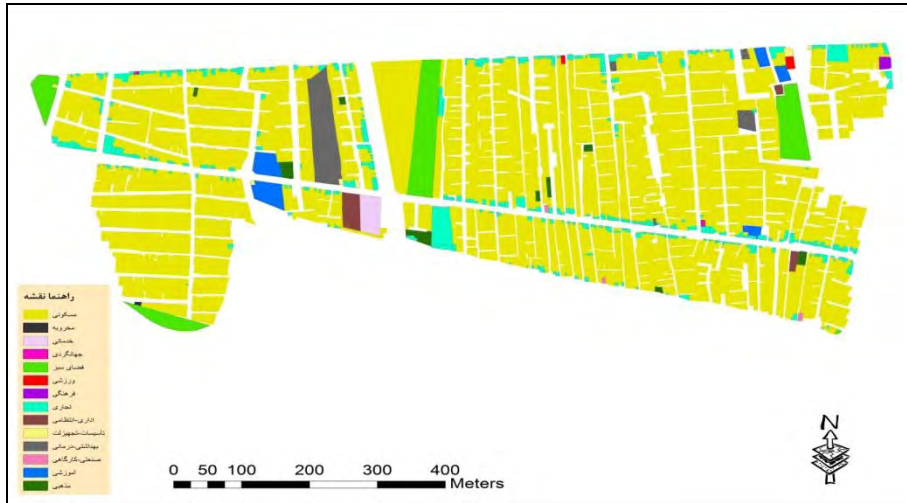
می‌شوند. در محله دستغیب سرانه برخورداری از این کاربری‌ها بسیار ناچیز است و از سطح استاندارد فاصله بسیار زیادی دارد به طوری که طبق آمار سرانه خدماتی برابر با ۰,۱۰، سرانه گردشگری ۰,۰۰۵، سرانه ورزشی ۰,۰۱، سرانه فرهنگی ۰,۰۱ و سرانه مذهبی ۰,۱۱ مترمربع می‌باشد.

جدول (۲): مراکز فرهنگی و هنری

ردیف	نام	تعداد
۱	کتابخانه	۲
۲	نگارخانه	۱
۳	سینما	۱
۴	سالن تئاتر	۱
۵	فرهنگسرا	--
۶	خانه فرهنگ	--

(منبع: احدی، ۱۳۸۹: ۹)

علاوه بر این براساس نقشه شماره (۴) پراکنش این کاربری‌ها نیز در سطح محله بسیار نامتوازن است که این موضوع را می‌توان از نحوه پاسخ‌دهی ساکنان محله به این گویه که «تا چه میزان در ترکیب کاربری‌ها، کاربری‌هایی از قبیل خدماتی، ورزشی، فرهنگی و غیره وجود دارد که مشوق فعالیت‌ها و حضور افراد در طول شبانه‌روز گردد؟» این‌گونه بوده است که ۷۰٪ پاسخگویان گزینه‌های کم و خیلی کم را انتخاب کرده‌اند. در این رابطه همچنین پیاده‌رو، که تأثیر بسیار زیادی در جذب جمعیت و مکان‌یابی فعالیت‌های اجتماعی که باعث روابط متقابل افراد می‌شوند، در محله دستغیب از وضعیت بسیار نامطلوبی برخوردار است به طوری که ۹۶٪ از ساکنان محله عنوان کرده‌اند که میزان فضای کافی در پیاده‌روها و سایر فضاهای عمومی برای توسعه فعالیت‌های اجتماعی کم و خیلی کم است.



همچنین باتوجه به نقشه شماره (۴) اغلب بافت محله به کاربری مسکونی اختصاص یافته است و این موضوع باعث فقدان اختلاط کاربری‌های دیگر از قبیل تجاری که اکثریت آنها در لبه خیابان‌های هاشمی و دامپزشکی قرار گرفته‌اند و در داخل بافت نفوذ چندانی نداشته‌اند، شده است. این عامل باعث حضور نیافتن پیوسته جمعیت در طول شبانه‌روز و همچنین ایام هفته در سطح محله شده است و موجب شده است تا نظارت غیرمستقیم در سطح محله در بعضی ساعت‌های شبانه‌روز و همچنین برخی از ایام هفته وجود نداشته باشد و در نتیجه آن امنیت کاهش یابد. نحوه پاسخ‌دهی ساکنان به این سؤال که «به‌طور کلی آیا کاربری‌ها در سطح محله در ارتباط با هم قرار گرفته‌اند و در واقع اختلاط کاربری در سطح محله صورت گرفته است یا خیر؟» گویای این حقیقت است به طوری که ۸۱٫۲٪ از پاسخگویان عنوان کرده‌اند که این اختلاط کاربری کم و خیلی کم است. به‌طور کلی، اختلاط کاربری در این محله از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست و این نبود اختلاط باعث شده است تا هریک از مناطق مختلف محله تنها در برخی ساعت‌های شبانه‌روز جاذب جمعیت باشند و در برخی ساعت‌های دیگر کاملاً خلوت و خالی از جمعیت شوند.

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز ۱۳۹۵)

در مجموع، محله دستغیب در رابطه با شاخص حمایت از فعالیت‌های اجتماعی از وضعیت چندان مساعدی برخوردار نیست به طوری که میانگین پاسخ‌دهی به این شاخص تنها برابر با ۲ در طیف لیکرت می‌باشد که کمترین میانگین را در بین سایر شاخص‌ها را به خود اختصاص داده است.

نتیجه‌گیری

جرم پدیده‌ای است که علاوه بر هزینه‌های مادی که به حکومت و مردم تحمیل می‌کند هزینه‌های روانی و اجتماعی زیادی را نیز در پی دارد. یکی از این هزینه‌ها احساس ترس و نبود امنیت در محیط‌های شهری است که باعث کاهش کیفیت زندگی افراد می‌شود. عوامل محیطی می‌تواند با ایجاد شرایطی مجرم را تشویق به ارتکاب جرم کند و برعکس با افزایش نظارت از طرق مختلف از وقوع جرم پیشگیری کند. درواقع، یکی از راهکارهای پیشگیری از جرم پیشگیری از طریق طراحی محیطی صحیح است. قلمروگرایی، نظارت طبیعی، کنترل و دسترسی، مدیریت و نگهداری و حمایت از فعالیت‌های اجتماعی از مهم‌ترین مؤلفه‌های طراحی محیطی برای پیشگیری از جرم (CPTED) هستند که در این پژوهش میزان تأثیر هر یک از آنها بر ایجاد امنیت و پیشگیری از جرم در محله دستغیب بررسی شده است. براساس یافته‌های پژوهش محله دستغیب در هریک از شاخص‌های پژوهش از وضعیت متفاوتی برخوردار است به طوری که شاخص قلمروگرایی با میانگین ۳٫۱۶ در طیف لیکرت بالاترین میانگین و شاخص حمایت از فعالیت‌های اجتماعی با میانگین ۲ در طیف لیکرت کمترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند.

ساختار سنتی محله و مدت سکونت بالای ساکنان محله دستغیب باعث شده است تا حس تعلق و همبستگی اجتماعی در بین ساکنان از وضعیت مطلوبی برخوردار باشد که این عامل موجب شده است تا قلمروگرایی در بین ساکنان محله از وضعیت رضایت‌بخشی برخوردار باشد به طوری که این شاخص با میانگین ۳٫۱۶ در طیف لیکرت از وضعیت نسبتاً خوبی برخوردار باشد. این عامل باعث خودامنیتی و درواقع محافظت محله و همچنین ساکنانش توسط خود افراد محله شده است.

در رابطه با شاخص‌های نظارت و همچنین دسترسی، بافت فرسوده و ارگانیک محله باعث شکل‌گیری شبکه‌های معابر تنگ و باریک، بن‌بست‌ها و نقاط گیر شده‌است که این

موضوع نظارت غیرمستقیم بر فضای محله را کاهش داده و همچنین دسترسی به نقاط مختلف محله را در شرایط اضطراری سخت می‌نماید. در نتیجه این عوامل باعث کاهش امنیت در سطح محله می‌شود به طوری که این عوامل موجب شده تا میانگین شاخص نظارت برابر با ۲,۷۴ و شاخص دسترسی برابر با ۲,۵۵ باشد که از مقدار متوسط نیز پایین‌تر هستند اما در شاخص مدیریت و نگهداری حس تعلق بالای ساکنان به این محله باعث شده است تا افراد با هرگونه اختشاش بصری از قبیل پنجره‌ها و تابلوهای شکسته، فضاهاى مخروبه و غیره که نشان‌دهنده توجه نکردن به محیط زندگی توسط ساکنان و مسئولان بوده است برخورد کرده و نسبت به آن واکنش نشان دهند. این عامل باعث شده که شاخص نظارت از وضعیت نسبتاً خوبی در بین ساکنان برخوردار باشد به طوری که میانگین این شاخص برابر با ۳,۱ شده است.

در رابطه با شاخص حمایت از فعالیت‌های اجتماعی کمبود و پراکنش ناموزون کاربری‌های حمایت‌کننده از فعالیت‌های اجتماعی و جاذب جمعیت در سطح محله باعث شده است که حضور پیوسته جمعیت در فضاهاى مختلف محله وجود نداشته باشد که این عامل باعث کاهش نظارت غیرمستقیم بر محیط و در نتیجه کاهش امنیت در سطح محله شده است. مجموع این عوامل موجب شده است تا این شاخص با میانگین ۲ کمترین مقدار را در بین سایر شاخص‌ها به خود اختصاص دهد.

به طور کلی، میانگین شاخص‌های طراحی محیطی برای پیشگیری از جرم در محله دستغیب برابر با ۲,۷۱ در طیف لیکرت است که این موضوع بیان‌کننده رعایت نکردن اصول طراحی محیطی برای پیشگیری از جرم در سطح محله به طور صحیح است که این عامل باعث کاهش امنیت در آن شده است.

پیشنهادها

به منظور افزایش امنیت در سطح محله و همچنین به کارگیری صحیح طراحی محیطی برای پیشگیری از جرم می‌توان راهکارهای زیر را پیشنهاد کرد:



پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز ۱۳۹۵)

- باتوجه به سنتی بودن بافت محله حذف یا اصلاح نقاط گیر و بن‌بست‌هایی که نظارت غیرمستقیم بر آنها وجود ندارد از جمله مهم‌ترین پیشنهادها برای پیشگیری از جرم در سطح محله می‌باشد؛
- پراکنش زمانی فعالیت‌ها به گونه‌ای تنظیم شود که حضور پیوسته جمعیت در اکثر زمان‌های شبانه‌روز در سطح محله را در پی داشته باشد و باعث خالی شدن آن از جمعیت در زمان‌های خاصی نشود؛
- ۸۰٪ از بافت محله را بافت فرسوده تشکیل می‌دهد. لذا، پیشنهاد می‌شود بهسازی و نوسازی بافت فرسوده و سنتی محله و تعریض شبکه معابر به منظور دسترسی به نقاط مختلف محله و همچنین فراهم کردن شرایط برای ایجاد پیاده‌رو، که بهترین مکان برای جذب فعالیت‌های اجتماعی و تعاملات متقابل افراد است، در اولویت قرار گیرد؛
- پراکنش و ترکیب مناسب کاربری‌ها در سطح محله به گونه‌ای که اختلاط کاربری مطلوبی به منظور تقویت چشمان ناظر در فضاهای محله ایجاد شود؛
- پاک‌سازی آثار وندالیسمی و دیوارنویسی‌های مختلفی که توسط برخی افراد در سطح محله ایجاد شده است به منظور این که از تصور مجرمان نسبت به فقدان توجه به محله توسط ساکنان و مسئولان جلوگیری شود؛
- باتوجه به کمبود سرانه‌های ورزشی، فرهنگی، تفریحی و سایر کاربری‌های جاذب جمعیت در سطح محله دستغیب افزایش سرانه و پراکنش موزون این کاربری‌ها و فعالیت‌های اجتماعی پیشنهاد می‌شود.

منابع

- احدی، معصومه (۱۳۸۹)، توصیف محله دستغیب، تهران: مؤسسه اندیشه‌سرای شهر، صص ۱۶-۱.
- ادیبی سعدی‌نژاد، فاطمه؛ عظیمی، آزاده (۱۳۹۰)، تبیین امنیت در محیط شهری بر مبنای پارامترهای کالبدی و طراحی، نشریه آمایش محیط، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۱۰۵-۸۱.
- برتاو، عیسی (۱۳۹۱)، درآمدی بر ارتباط مکان و جرم، فصلنامه کارآگاه، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۱۲۵-۹۴.
- بمانیان، محمدرضا؛ محمودنژاد، هادی (۱۳۸۸)، امنیت و طراحی شهری، انتشارات طحان.
- پورجعفر، محمدرضا؛ محمودی‌نژاد، هادی؛ رفیعیان، مجتبی؛ انصاری، مجتبی (۱۳۸۷)، ارتقای امنیت محیطی و کاهش جرایم شهری با تأکید بر رویکرد CPTED، تهران: علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران، ج ۱۹، شماره ۶.
- جیکوبز، جین (۱۳۸۵)، مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حاتمی‌نژاد، حسین؛ حاتمی‌نژاد، حجت؛ فارابی‌اصل، نیر؛ ثابت کوشکی‌نیان، مجتبی؛ فولادی، فاطمه (۱۳۹۱)، تحلیلی جغرافیایی پیرامون اثرگذاری کالبد مناطق شهری بر ایجاد جرم؛ نمونه موردی: سکونتگاه‌های غیررسمی شهر مشهد، فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال دوم، شماره ۷، صص ۷۵-۶۵.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ شریفی، محسن؛ صادقی، یدالله (۱۳۹۱)، تحلیل اثرگذاری راهبردهای نظریه CPTED بر کاهش وقوع جرایم؛ مورد مطالعه: میدان‌های مهم شهر تهران، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۲۳، صص ۱۵۸-۱۲۵.
- حیدری، غلامحسین؛ کارگر، بهمن؛ منافی، سیده‌سمیه؛ خراسانی، میترا (۱۳۹۰)، پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی؛ مطالعه موردی: شهر زنجان، فصلنامه علمی پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال چهارم، شماره ۱، صص ۲۷-۱۱.
- سالنامه آماری شهر تهران (۱۳۹۳)، شهرداری تهران.
- شناسنامه جامع شهرداری منطقه ۹ تهران، (۱۳۹۴)، معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهری منطقه ۹.
- طبیبیان، منوچهر؛ کمالی، ماندانا (۱۳۹۲)، پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED) راهی به سوی توسعه پایدار شهری؛ مطالعه موردی: شهر زنجان، همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری.



- پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال چهارم، شماره پانزدهم، پاییز ۱۳۹۵)
- فریدطهرانی، سایه (۱۳۹۰)، ترس در فضای شهری، تهران: آرمانشهر.
- غنی‌زاده، جهان‌آقا؛ کلانتری، محسن (۱۳۹۱)، آسیب‌شناسی نظم و امنیت در پارک‌های شهر تهران با استفاده از اصول و راهبردهای پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی، تهران: پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال پنجم، شماره ۳.
- قنبریان، عبدالحمید؛ علیمردانی، مسعود؛ محمدی، مریم؛ جم، فاطمه (۱۳۹۲)، بررسی نقش جنسیت در ارزیابی امنیت فضای محله‌ای با تأکید بر رویکرد CPTED: بررسی موردی: بخش میانی محله صابون‌پزخانه تهران، دوفصلنامه دانشگاه هنر، شماره ۱۴، صص ۷۸-۵۹.
- قورچی‌بیگی، مجید (۱۳۸۹)، نقش راهبردهای نظریه CPTED در کاهش هزینه‌های جرم در فضاهای عمومی شهری، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره ۱۵، صص ۸۲-۱۱۴.
- کلانتری، محسن؛ آیت، آیت‌الله (۱۳۸۶)، تأثیر شرایط محیطی بر وقوع بزهکاری و راهکارهای پیشگیری از آن؛ مطالعه موردی: تأثیر تاریکی، روشنایی، خلوتی و شلوغی، محیط در نوع و میزان جرایم ارتكابی در شهر تهران، فصلنامه مطالعه پیشگیری از جرم، سال دوم، شماره ۵، صص ۴۳-۶۵.
- کلانتری، محسن؛ حیدریان، مسعود؛ محمودی، عاطفه (۱۳۹۰)، ایمن‌سازی فضای کالبدی شهرها در برابر بزهکاری با استفاده از راهبردهای پیشگیری جرم با طراحی محیطی، فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم، شماره ۳، صص ۷۴-۵۱.
- الماسی‌فر، نینا؛ انصاری، مجتبی (۱۳۸۹)، بررسی امنیت محیطی در پارک‌های منطقه‌ای به‌عنوان بخشی از فضای شهری از دیدگاه زنان بر پایه رویکرد CPTED؛ مطالعه موردی: پارک ساعی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۵.
- محمودی جانکی، فیروز؛ قورچی‌بیگی، مجید (۱۳۸۸)، نقش طراحی شهری در پیشگیری از جرم، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، صص ۲۱-۳۴.
- مرصوصی، نفیسه؛ صفرعلی‌زاده، اسماعیل؛ حسین‌زاده، رباب (۱۳۹۳)، نقش طراحی محیطی در پیشگیری از وقوع جرایم شهری؛ مطالعه موردی: بخش مرکزی شهر اصفهان، دوفصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، سال پنجم، شماره ۲، صص ۱۱۱-۱۲۴.
- موستوفی‌الممالکی، رضا؛ بهرامی، فریبا (۱۳۹۳)، بررسی راهکارهای پیشگیری از جرم با استفاده از رویکرد CPTED، فصلنامه دانش انتظامی خراسان رضوی، صص ۱۳۴-۹۱.
- Clark, S., R. (1995) The United Nations Crime Prevention and Criminal Justice Program: Formulation of Standard and Effort at Their Implementation. Library of Congress Cataloging.

- Cleveland, G., & Saville, G. (2003, June). Introduction to 2nd Generation CPTED- Part2. CPTED perspective: The International CPTED Association Newsletter , pp. 4 -6.
- Cozens, P. (2008). CRIME PREVENTION THROUGH ENVIRONMENTAL DESIGN IN WESTERN AUSTRALIA : PLANNING FOR SUSTAINABLE URBAN FUTURES, 3(3), 272° 292. <https://doi.org/10.2495/SDP-V3-N3-272-292>.
- Cozens, Paul(2004) Urban Sustainability and Crime Prevention through environmental design(CPTED) in Western Australia. Conference paper presented at the 175th.
- Crowe, T, 2000, Crime Prevention Through Environmental Design, Application of Architectural Design and Space Management Concepts, 2nd, Butterworth-Heinemann, Oxford.
- Kim, D., & park, S. (2017). Improving community street lighting using CPTED : A case study of three communities in Korea. Sustainable Cities and Society, 28, 233° 241. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2016.09.016>.
- McCauley, L., Opie. A(2006): Research about the use of Crime PreventionThrough Environmental Design(CPTED) by Local Authorities in New Zealand.
- MetLife Foundation,(2008).www.policefuturists.org. Retrieved April 27, 2011, fromPoliceFuturistsInternational:www.policefuturists.org/pdf/LISC_SafeGrowth_final.pdf.
- Petrella, Laura, (2004), Urban Space and Security Policies; Between Inclusion and Privitilization, UN Haabitat; WUF, Barcelona, Spain.
- Saville, G., & Cleveland, G. (1997). 2nd Generation CPTED: An Anitidote to the Social Y2K Virus of Urban Design.